



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

بارقتا السماء

في شرح حوادث واقعة الكساء

مشمتمل بر

مرقیتا دقیقتا

در اتحاد واقعه حدیث کساء در روایت ام سلمه و حضرت فاطمه علیها السلام

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داور المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پژوهشگر علوم معرفت الهی - بنیاد حیات اعلی

۱- حدیث آسمانی کساء نقلهای متعددی دارد، نقل مشهور میان عامه مسلمین از جناب امّ سلمه روایت شده است، و نقل معروف میان خاصّه مؤمنین هم از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام روایت گردیده، که در میان خواص اهل ایمان متداول است.

۲- راز تعدد نقلها و امکان تکرار وقایع مشابه: شکی نیست که تعدد نقلها سبب تقویت این حدیث شریف و توجه بیشتر عموم به اعتبار و اهمیت آن می شود. در کلام وحی آیات بسیاری مکررا نازل شده، که نشانه تعدد کاربرد و تأکید محتوای آنهاست.

البته تکرار اتفاق واقعه حدیث کساء نیز محتمل بوده؛ و منعی برای تعدد وقوع آن ندارد، چه اینکه هر يك از اجزاء ماهیت این واقعه مکرر و بسیار اتفاق افتاده است:

الف: همراه بودن کساء با نبی اکرم صلی الله علیه و آله، امری بسیار مستمر بوده است.
ب: اجتماع خمسه طیبه علیهم السلام، هر روزه اتفاق می افتاده بلکه در یکروز مکرر پیش می آمده است.

ج: نزول جبریل علیه السلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و آوردن پیام الهی و بشارات رحمانی از اموری است که معمولا هر روزه و گاهی چندین بار در یکروز اتفاق می افتاده است.

د: نازل شدن يك آیه شریفه قرآنی بطور مکرر واقع شده است. برای اطلاع به کشف الآیات قرآنی و کتب شأن نزول مصحف مراجعه شود. و وقوع مجموع این وقایع در يك مجلس آن هم مکرر نیز امری بسیار

ساده و ممکن بوده است.

❖ خصوصاً که بازرخداد این واقعه در خلوت و جلوت و مجامع مختلف؛ سبب توجه و تأکید مفاد و اهمیت موضوع و شأن نزول حدیث کساء، و جلالت منزلت حضرات آل عباء علیهم السلام گردیده است، این تکرار رخداد باعث شده؛ تا گروههای مختلف و بیشتری از مردم زمان نزول وحی از وقوع آن مطلع و به فضیلت و معنی و نتیجه آن ملتفت شوند.

❖ همچنان که بعد از واقعه کساء در خانه ام سلمه؛ برای اینکه این واقعه نزد همه مسلمانان معروف شود؛ برنامه ابلاغ عملی آنرا حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله شخصا به عهده گرفتند، در احادیث همه فرق مسلمین بسیار نقل شده است که:

تا چندین ماه (از جمله تا هفده ماه) بعد از وقوع واقعه کساء؛ هر روز در هر پنج وقت نماز؛ خصوصاً وقت نماز صبح؛ رسول الله صلی الله علیه و آله می آمدند در مسجد خودشان؛ و می ایستادند مقابل درب خانه فاطمه و علی علیهما السلام و دو دستشان را دو طرف آستانه درب گذاشته و با صدای بلند اینطور سلام نموده: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**، سپس آیه شریفه تطهیر را تلاوت می نمودند.

تکرار روزانه و به مدت چندین ماه سبب معروف شدن روز واقعه کساء به "یوم الکساء" گردیده، و برای اطلاع رسانی وسیع و در منتهای درجه بوده است، که این امر خود دلالت آشکاری بر اهمیت موضوع دارد.

چه اینکه اجتماع صبحگاهی مسلمان در مسجد شریف نبوی ﷺ مهمتر و بیشتر از سایر اوقات روز و شب شلوغ؛ و در سایر اوقات احتمال اشتغال و استراحت برای عموم بیشتر بوده، فلذا نماز صبح بعد از استراحت شبانه و قبل از شروع کار روزانه؛ بیشترین اجتماع شبانه روز مسلمان محسوب می شده است.

➤ افزون بر اینها؛ نفس وقوع آن اجتماع نورانی و نزول انوار آسمانی خود برکاتی داشته است. وقتی امروزه (با گذشت بیش از ۱۴ قرن) مردم عادی با تکرار تلاوت و اجرای نقل و شرح حدیث کساء در مجالس مختلف؛ هر بار به برکاتی نو و تازه تر از برکات نوبت قبلی نائل می شوند، قطعاً تکرار رخداد واقعه اصلی با حضور آل کساء ﷺ برکات و آثار گوناگون و فراوانی داشته است.

۳- با همه این تفصیلات؛ عقول مقصره از درک حکمت تعدد وقوع حدیث کساء عاجز؛ و تکرار رخداد آنرا استبعاد کرده اند، و از آنجا که نقل جناب ام سلمه میان عامه مسلمان متداول بوده؛ آن نقل را اصل و اساس و محور قرار داده؛ و نقل حضرت فاطمه ﷺ را با آن مقایسه تا نکات و اسرار مذکور در این نقل (که امتیاز بر نقل ام سلمه دارد) را به بهانه نبودن در نقل و واقعه ام سلمه (که در معرض عموم بوده است) منکر شوند. و تمام بهانه شان را برای اعراض یا تقطیع نقل فاطمی ﷺ؛ قصور عقولشان از امکان اتحاد آن با نقل ام سلمه پنداشته اند.



۴- افزون بر شرح حکمتهای تعدد نقل یا تکرار وقوع واقعه و مستندات و شواهد آن؛ در این رساله شریفه برای هدایت این دسته (مقصره)؛ چگونگی امکان اتحاد نقل فاطمی عَلَيْهَا و نقل ام سلمه را توضیح می دهیم، لعل الله یهدیهم الی سواء السبیل.

۵- (بنابر اتحاد واقعه دو نقل): واقعه حدیث کساء که مشتمل بر بشارات الهی است؛ هنگامی اتفاق افتاده است که همه پنج تن پاک عَلَيْهَا خانه جناب ام سلمه میهمان بوده اند.

۶- اجمال گزارش بیرونی این واقعه از ام سلمه نقل شده، و زینب (دختر ام سلمه) و عایشه و صفیه (زوجه نبی اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) هم شمه ای از گزارش بیرونی همین واقعه را (مستقیماً یا به واسطه از ام سلمه) نقل کرده اند، اما تفصیل کامل گزارش اندرونی واقعه فقط از حضرت زهراء عَلَيْهَا نقل شده است، که در داخل کساء بوده اند، و این همان روایت معروف و مشهور مشتمل بر بشارات الهی مترتب بر تلاوت و مذاکره این حدیث آسمانی است.

و چه جای مقایسه بین ارزش گزارش بیرونی مختصر و پراکنده؛ و بین گزارش اندرونی مفصل و منسجم و متمرکز بر بیان ارکان واقعه؟!

۷- آنچه مانع تصور مقصره و سبب قصور ادراک ایشان در این موضوع شده است؛ مشروط کردن نقل فاطمی عَلَيْهَا به وقوع آن در خانه حضرت زهراء عَلَيْهَا است، در حالی که در گزارش حضرت صدیقه عَلَيْهَا تصریحی

ندارد که حضرت رسول الله ﷺ وارد خانه حضرت فاطمه ؑ شده اند، بلکه از حضرت زهرا ؑ نقل دارد: پدرم بر من وارد شدند، و این منافاتی با روایت جناب ام سلمه نداشته و با میهمان بودن همگی خمسه طیبه ؑ در خانه جناب ام سلمه قابل جمع است.

از طرفی اصرار مشروط کنندگان نقل فاطمی ؑ به وقوع آن در خانه حضرت زهراء ؑ بخاطر شرافت و امتیاز این خانه مبارکه است، که خواسته اند به زعم خود امتیازی برای این واقعه قائل بشوند، البته شکی در شرافت و امتیاز خانه وحی (بیت فاطمه ؑ) نیست؛ ولی باید بدانیم که این شرافت بخاطر انتساب این خانه به حضرات پنج تن ؑ و جایگاه ایشان بودن است نه بیشتر، که شرف المکان بالمکین، و در واقعه کساء؛ امتیاز واقعه به ماهیت تطهیر خاص الهی آن؛ و صاحبان طاهر و مطهر این واقعه (که در شأن ایشان رخ داده) است می باشد، جانب آسمانی آن: حق تعالی و طهارت الهی نازله، و جانب زمینی آن: اهل بیت عصمت و طهارت ؑ است، فلذا رخداد این واقعه در بیرون این خانه؛ هیچ کاستی در امتیازات آن نمی آورد.

بلکه رخداد واقعه کساء در خانه ام سلمه (با ناظر بودن دیگر کسانی که برای حضور در زیر کساء پذیرفته شده اند) حکمتی علاوه و ممتاز دارد، و این معنی را می رساند که: با اینکه آن ناظرین از ساکنان خانه های پیامبر ﷺ بوده، مثل زوجات و دیگر دختران و خویشان و ریبیه (دخترخوانده) نبی اعظم ﷺ و خادم و خادمه آن خانه ها، و علی رغم

درخواستشان؛ از حضور زیر کساء منع شده اند. وقوع این واقعه با این تفصیل و در خانه ام سلمه سبب شده؛ تا از تحریف معنوی مفهوم واقعه کساء و تعمیم آن به ظاهر کلمه "اهل" (ساکن) و "بیت" (خانه) مانع گردیده، و بر همگان معلوم باشد که این واقعه و طهارت الهیه و آیه تطهیر مختص اهل کساء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می باشد، و مقصود از آن تنها اهل بیت خاص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ نه اطرافیان عام او؛ از ساکنان خانه ها و نزدیکانش.

۸- جزئیات و مقدمات و حوادث جانبی: این واقعه جزئیات و حوادثی مقدماتی و جانبی دارد؛ که احادیث این باب هر کدام به برخی از آنها پرداخته اند، مثل: رفت و آمد افراد متعدد در نزدیک محل واقعه، و نحوه فرستادن حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دنبال اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، و شخصی که برای خبر کردن و دعوت به آمدن آنها فرستادند، و پذیرایی حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ از حضرت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آغاز واقعه، و حضور میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ و پذیرایی آسمانی او در آخر واقعه، ...

فلذا پرداختن يك روایت و نقلی به برخی از جزئیات واقعه؛ و عدم ذکر آنها در دیگر نقلها؛ به معنی عدم صحت آن جزئیات ماجرا؛ و یا تعارض این روایات نیست، همچنان که تمرکز بیان حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ روی توصیف بدنه اصلی و ارکان واقعه؛ و تشریح وقایع مرتبط با اهل کساء؛ و حوادث اندرونی کساء و جهات آسمانی آن؛ بخاطر اهتمام به اصول و ارکان واقعه کساء بوده، و به منزله نفي جزئیات بیرونی و حواشی مذکور در نقلهای دیگر نیست.

۹- کساء شناسی: در معرفت کساء؛ نمونه خیبری؛ و نمونه یمانی.

توضیحی درباره کساء: در لغت عربی کساء به معنی پوشش است، و مقصود از آن: پارچه ای با جنس مویی یا پشمی یا پنبه ای؛ و معمولاً با شکل مربع مستطیل و به عرضی حدود دو متر و طولی حدود سه متر است، که کاربردهای متعددی از جمله رداء و عباء و روانداز و زیرانداز و پوشاندن محل یا شخص یا اشخاص یا اشیاء دارد، و بطور خلاصه: پوششی همه کاره؛ که در زندگی قدیم کاربرد فراوانی داشته، و از ملزومات فردی هر شخصی بوده است، امروزه هم این وسیله هنوز متداول بوده، هر چند نام و عنوان و کاربرد آن در زندگیهای مدرن شهری؛ مقداری محدود یا متفاوت شده است.

با ملاحظه مجموع روایات حدیث کساء می بینیم که دو توصیف برای کساء مورد استفاده در این واقعه ذکر شده است: **خیبری و یمانی.**

کساء خیبری: که از موی بز بافته شده بوده، و رنگ آن هم (طبق معمول و غالب این جنس) سیاه بوده است. سبب توصیف خیبری آن به دلیل این بوده که در فتح خیبر بدست حضرت پیامبر ﷺ رسیده است. از آنجا که محل بدست آمدن و نگهداری این کساء در ناحیه فدک از نواحی خیبر بوده؛ به نام "کساء فدکی" نیز توصیف می شده است.

له گفته می شود که این کساء از میراث حضرت هارون نبی الله ﷺ بوده که نزد ذریه وی در میان یهود خیبر به عنوان تبرک و افتخار حفظ می

شده است. این کساء که جزو موارث نبوت شمرده شده، در وقت عدم کاربرد؛ نزد جناب ام سلمه نگهداری می گردیده است. بعد از جناب خدیجه علیها السلام؛ جناب ام سلمه گنج بان برخی موارث نبوت بوده است. مأموریت نگهداری و گنج بانی برخی موارث نبوت و ولایت؛ از سوی انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام؛ از آغاز تا انجام؛ مرسوم بوده، که به برخی از بانوان خاندانشان (بطور موقت یا پیوسته) می سپرده اند؛ تا آنها را نگهداری؛ و در وقت نیاز ارائه؛ یا به امام بعدی منتقل نمایند.

👉 این کساء صبح روز واقعه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، و وقتی عایشه را ترك نمودند تا در مجلس نزول آیه تطهیر (در خانه ام سلمه) شرکت کنند، آن را همراه خود داشته اند، و در خانه ام سلمه هم ابتدا در وقت استراحت و اطعام قبل واقعه کساء زیر انداز حضرتش بوده، و برای رخداد واقعه کساء نیز زیر انداز همه اهل کساء علیهم السلام بوده است.

کساء یمانی: این کساء منسوب به یمن؛ به لحاظ نوع بافت و شکل آن بوده، و از همین روی یمانی نامیده شده، و رنگ آن سپید بوده است. این کساء یمانی ظاهراً پوششی معمولی نبوده؛ و به عنوان شیء مخصوصی نزد حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نگهداری می شده است.

👉 در واقعه کساء نیز حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله کساء یمانی را از دخترشان خواسته اند تا آورده و ایشان را با آن بپوشاند.

👉 در وقت رخداد واقعه کساء و نزول آیه تطهیر؛ این کساء پوشش

رویین اهل بیت علیهم السلام بوده و ایشان زیر این کساء اجتماع نموده بودند.

۱۰- تاریخ شناسی واقعه کساء: در منابع حدیث و سیره و تاریخ بطور صریح تاریخی برای رخداد واقعه کساء ذکر نشده است، اما می توان این تاریخ را (ولو به تخمین) از برخی شواهد و مدارک مستند و مشهور این واقعه بدست بیاوریم، سرخ موجود در این خصوص سه امر است:

اول: تاریخچه کساء های بکار رفته در این واقعه؛ و منشأ بدست آمدنشان، و در اینجا چند نکته باید توجه شود:

نکته اول: در روایت ام سلمه سخن از کساء خیبری (سیاه) است، از آنجا که این کساء خیبری بوده و از توابع فتح خیبر است؛ فلذا واقعه کساء (به روایت ام سلمه) بعد از فتح خیبر و در فاصله هفتم تا دهم هجرت (رحلت نبوی) رخ داده است. تا اینجا از شناسنامه کساء سیاه خیبری استفاده شد، که هم نتیجه فتح خیبر بودنش مسلم بوده؛ و هم تاریخ بدست آمدنش معلوم است.

نکته دوم: در روایت حضرت فاطمه علیها السلام سخن از کساء یمانی (سپید) است، درباره کساء یمانی؛ تنها چیزی که فعلا می دانیم محصول یمن بودنش است، و این می تواند از طریق تجارت و خرید یا از راه تحفه به حضرتش رسیده باشد، و لازم نیست که محصول فتح عملیات نظامی و سریه یمن باشد که توسط حضرت مولا علی علیه السلام فرماندهی و انجام شده است، و اگر شاهی داشتیم که این کساء نیز دستاورد این عملیات

است؛ آن وقت با تعیین تاریخ سربه یمن (که در سال دهم هجرت و دو سه ماه قبل وفات پیامبر ﷺ بوده) می توانستیم بگوییم که این واقعه در سال دهم هجرت رخ داده و نزدیک وفات حضرتش اتفاق افتاده است اما چون شاهی بر اینکه کساء یمانی واقعه کساء از ره آورد سربه یمن باشد وجود ندارد، و عرضه آن بوسیله تجارت و سوغات و هدیه بسیار متداول بوده است، لذا احتمال مزبور منتفی می گردد، و تاریخ واقعه به سال هفتم به بعد مرتبط می شود.

دوم: از آنجا که قبل از اجتماع اهل کساء؛ حسنین علیه السلام بیرون خانه بوده؛ و به تنهایی هم رفته بوده اند؛ و برای اجتماع نیز جدا جدا به خانه بازگشته اند، یعنی که سن هر دویشان بقدری بوده که به تنهایی بیرون بروند، بنابراین واقعه کساء نزدیک به تاریخ غزوه خیبر نبوده، و به تاریخ وفات پیامبر ﷺ نزدیکتر بوده است.

سوم: در باب ابلاغ آیه تطهیر نقل کردیم که: ﴿بروایتی شش ماه و بروایتی تا نه ماه و بروایتی تا هفده ماه بعد از وقوع واقعه کساء؛ هر روز در هر پنج وقت نماز؛ خصوصا وقت نماز صبح؛ رسول الله ﷺ می آمدند در مسجد خودشان؛ و می ایستادند مقابل درب خانه حضرتین فاطمه و علی علیه السلام؛ و دو دستشان را دو طرف آستانه درب گذاشته و با صدای بلند اینطور سلام نموده: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ، سپس آیه شریفه تطهیر را تلاوت می نمودند﴾. اگر در این احادیث تأمل کنیم می بینیم که شروع این ابلاغ مکرر از ابتدای وقوع

حادثه کساء بوده، و انتهای آن (حداکثر) هفده ماه نقل شده است، از آنجا که هیچ منعی برای استمرار و تکرار آن بعد ۶ یا ۹ یا ۱۷ ماه نبوده، فلذا عدم استمرار بعد از آن چه بسا بخاطر رحلت حضرت رسول الله ﷺ بوده است، و این یعنی که تاریخ واقعه کساء ۶ یا ۹ یا ۱۷ ماه قبل از رحلت حضرتش و در سالهای هشتم یا نهم هجری اتفاق افتاده است.

۱۱- افراد شناسی واقعه کساء: بیان نام حاضرین زیر کساء و در محل نزول آیه تطهیر، و در اینجا چند مطلب مهم است:

مطلب اول: نفي اشخاص بیرون کساء: آنچه در بررسی مجموع احادیث شریفه این واقعه به صراحت ذکر و بیان شده است: نفي ارتباط موضوع طهارت با زنان پیامبر ﷺ و نیز فرزندان یا فرزندخواندگان و خانه زادن و خادمان و خادمتان است، که همگی با اینکه از ساکنان خانه های حضرتش بوده؛ اما از اهل بیت طهارت ﷺ نیستند، و در روایات واقعه نیز می بینیم که: حضرتش چگونه از منع حضور آنها مراقبت فرموده، و حتی نزدیک شدن آنها و یا تماسشان با کساء در این واقعه را بر نمی تابد.

مطلب دوم: شهرت حضور شش نفر: همچنانکه در احادیث این واقعه شریفه؛ اسامی **سبعه نورانیه (خمس طیبه + ملکین مقربین)** به وضوح ثبت گردیده، که نام شش نفرشان در این باب مشهور است (محمد ﷺ، علی، فاطمه، حسن، حسین، جبرئیل، میکائیل ﷺ) و آیه تطهیر به خصوص ایشان ارتباط داده شده است.

مطلب سوم: حضور میکائیل: در روایتهای ام سلمه از واقعه کساء نقل شده است که: در خانه من نازل شد آیه: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ در حالیکه در اتاق هفت نفر بودند: جبرئیل و میکائیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام، و جبرئیل علیه السلام املاء می نمود و وحی را بر رسول الله صلی الله علیه و آله، و رسول الله صلی الله علیه و آله املاء می نمود و وحی را بر علی علیه السلام.

در این روایت بجز نحوه نزول و ابلاغ وحی بوسیله جبرئیل علیه السلام؛ حضور میکائیل علیه السلام هم در زیر کساء و همراه اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است. حضور میکائیل علیه السلام جهات مختلفی می تواند داشته باشد:

(الف): به عنوان همراهی جبرئیل علیه السلام.

(ب): جنبه تشریفی و برای تکریم اهل بیت علیهم السلام بوده باشد.

(ج): هر چند جبرئیل علیه السلام مأمور آوردن طبق میوه بهشتی بوده؛ ولی از آنجا که میکائیل علیه السلام فرشته متصدی ارزاق عالم هستی؛ و جزو چهار ملک مقرب الهی است؛ فلذا امکان دارد که وی موکل امر پذیرایی آسمانی از اهل کساء بوده باشد، و از این رو در جمع اهل کساء حضور داشته است. در هر صورت؛ حادثه پذیرایی با میوه بهشتی اگرچه امر مهمی است؛ ولی از ملحقات واقعه کساء بوده؛ و جزو ارکان واقعه تطهیر نیست.

در نقل فاطمی علیه السلام تمرکز بیان بر ذکر نام افرادی بوده که حضورشان در تحقق واقعه کساء رکنیت داشته است: حضرات خمه طیبه علیهم السلام که موضوع آیه تطهیر بوده اند؛ و جبرئیل علیه السلام که پیام آور تطهیر است، و در

واقع ماجرای کساء با نزول وحی و پیام الهی و آیت تطهیر (با حضور جبرائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ) محقق شده است؛ ولذا حضورش رکنیت داشته و می بینیم همین امر سبب اکتفاء حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در گزارششان به ذکر نام جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ و عدم ذکر نام میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گردیده است. اما نقل ام سلمه که مبتنی بر گزارش کلی از نزول آیه تطهیر و حاضرین واقعه کساء و حوادث و نکات جانبی آن بوده؛ به گزارش این امر پرداخته است.

با همه ضرورت و رکنیت حضور جبرائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ در واقعه کساء؛ ولی در عین حال می بینیم که وی برای هبوط به زمین و حضور در جمع اهل کساء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از حضرت حق جل شانہ رخصت طلبیده؛ و بعد از اذن الهی هبوط می نماید، و همینطور برای ورود تحت الکساء و همراهی حضرات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ ابتدا بر حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سلام نموده؛ سپس از حضرتش اجازه پرسیده، و بعد از اذن نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جمع ایشان حاضر می شود، بدیهی است که جناب میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ هم (ولو مأموریت الهی پذیرایی آسمانی اهل کساء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را داشته) ولی در عین حال برای هبوط به ارض؛ از حضرت خداوند جلیل اجازه طلبیده؛ و بعد از رخصت حق به زمین هبوط نموده، همچنین برای ورود تحت الکساء و همراهی حضرت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز بر حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سلام نموده؛ و از حضرتش اجازه پرسیده؛ و بعد از اذن نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جمع ایشان حاضر شده است.

بنابراین فقرات مربوط به این موارد که در رابطه با جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیث کساء (نقل فاطمی عَلَيْهَا السَّلَامُ) آمده؛ عینا یا مشابه آن نیز باید نسبت به

میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ اتفاق افتاده باشد، که در روایت اصلی واقعه و حدیث کساء بوده است، اما چون در نقل فاطمی عَلَيْهَا السَّلَامُ تمرکز بر بیان ارکان واقعه (نزول آیه تطهیر و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ و مناجات نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و کلمات الهی و بشارات جبرئیلی عَلَيْهَا السَّلَامُ و نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بوده؛ دیگر فقرات مربوط به میکائیل عَلَيْهَا السَّلَامُ نقل نشده است.

این فقرات ممکن است چنین بوده باشد:

ثُمَّ اسْتَأْذَنَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَابِعًا؟ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَهَبْطْ مِيكَائِيلُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقَالَ لِأَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ أَبِي؛ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مِيكَائِيلُ؛ يَا أَمِينَ رِزْقِ اللَّهِ، نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.

مطلب چهارم: حضور بقیه اولاد حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ: اما در واقعه اعلام تطهیر و زیر کساء یمانی؛ آیا از خاندان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تنها همین پنج وجود شریف حضور داشته اند؟ یا اینکه اولاد دیگر حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ یعنی زینبات (زَيْنَبُ؛ ام كَثُومُ؛ سُكَيْنَةُ) و دو شهید واقعه حمله به خانه وحی (مُحَسِّنِ شیرخوار و مُحَسِّنِ عَلَيْهَا السَّلَامُ جنین) نیز بوده اند؟ و اگر افزون بر آن پنج وجود نورانی؛ از بقیه اولاد هم بوده اند، چرا نامشان در احادیث واقعه ثبت نشده است؟

سخن اول: برای دانستن همراهی بقیه اولاد حضرت فاطمه علیها السلام؛ با مادرشان در زیر کساء؛ توجه به چند نکته لازم است:

نکته اول: این همراهی استبعاد ندارد؛ چه اینکه بقیه اولاد هر کدام باشند؛ بسیار کودک بوده اند، بطوریکه جدا نبودنشان از مادر و همراهیشان امری طبیعی بلکه بدیهی است.

نکته دوم: از مجموع نکات مذکور در مبحث "تاریخ شناسی واقعه کساء" برمی آید که در وقت فتح خیبر حداقل جناب زینب و جناب ام کلثوم هر دو بدنیا آمده بوده اند، و اگر دیرتر اتفاق افتاده باشد؛ مثل ۱۷ قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله؛ حضور جناب سُکینه به صورت کودک نیز مطرح می گردد، و اگر دیرتر اتفاق افتاده باشد؛ مثل ۹ و ۶ ماه قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله؛ که همه هفت فرزند حضرت فاطمه علیها السلام حتی نوزاد و جنین آخرشان (مُحَسِّن و مُحَسِّن) به صورت نوزاد و جنین نیز حیات داشته و می توانسته اند در واقعه کساء و نزول آیه تطهیر حضور داشته باشند، و با توجه به ملازمت قهری این سه کودک (دختر) و نوزاد شیرخوار و نیز جنین تازه متکون شده با مادرشان؛ فلذا حضورشان در آغوش و بدنبال مادر در زیر کساء یمانی؛ نیز امری نه تنها مستبعد نبوده، بلکه وقوعش اقرب و اقوی است.

نکته سوم: افزون بر نکات و شواهد فوق (که حکایت از حضور بقیه اولاد حضرت زهراء علیها السلام در زیر کساء داشت) نص شریف حدیث کساء و کلام قدسی حق تعالی است که در پاسخ جبرئیل و در مقام بیان

توصیف حاضرین زیر کساء فرمود: ﴿هُم فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا﴾
تعبیر "بنوها" که به صیغه جمع و به معنی "فرزندانش (فاطمه علیها السلام) است؛
حکایت از عدم انحصار آن در حسنین علیهما السلام و حضور دیگر فرزندان نیز
می باشد، و اگر حضور فرزندان به حسنین علیهما السلام محدود بود خداوند می
فرمود: "وابنیها"، اما نفرموده، و بجایش صریحا فرموده است: "وبنوها".

سخن دوم: اما دلیل اکتفای نقلها به ذکر خمسة طیبه دو جهت دارد:

اولا: سیاق روایت و لحن راوی (حضرت زهراء علیها السلام) بر اجتماع يك به
يك افراد و آمدن آنها زیر کساء است، اما این بقیه اولاد (که یا کودک
خردسال بوده یا نوزاد یا جنین بوده اند) مستقلا خودشان به زیر کساء
نیامده تا ذکر آمدن و اجتماعشان بشود، اینها هر کدامشان بوده اند؛
همراه و در آغوش یا اندرون مادرشان آورده شده اند، فلذا از ایشان
مستقلا نام برده نشده است.

ثانیا: همان نکته ای که بعدا شرحش خواهد آمد، هدف از شرح و نقل
حدیث کساء؛ اثبات مرتبه عصمت و حجت اللهی برای جانشینان مقام
نبوت و حضرات معصومین علیهم السلام بوده است، و اثبات امامت حسنین علیهما السلام
و بالتبع بقیه ائمه بعد ایشان بوده است، فلذا محور بحث احتجاج و
استدلال به این حدیث موضوع عصمت و امامت بوده است فلذا روی
نام حسنین علیهما السلام اکتفا شده است، از این رو از دختران (که محل مرتبه
امامت نبوده اند) یا دو پسر اخیر (که شهید شده اند) ذکری نشده است.

مطلب پنجم: بقیه ائمه معصومین (از امام سجاد تا امام مهدی علیه السلام) اگرچه زیر کساء حضور خارجی نداشته؛ و تنها در صلب امام حسین و در زیر کساء بوده اند، اما مشمول هدف واقعه کساء و آیه تطهیر بوده؛ و صاحب طهارت قدسیه الهیه (که شرط و رکن مهم مرتبه امامت الهی است) می باشند، شرح این مبحث در کتب علم عقاید و کلام اسلامی آمده است.

توضیحات:

بر وجود دختر سومی از حضرت مولا علی و حضرت زهراء علیهما السلام بنام جناب سُکینه؛ شواهد بسیاری در احادیث شریفه معصومین علیهم السلام و سیر و تواریخ و مقاتل بیان شده است. اما وجود پسر سومی از حضرت مولا علی و حضرت زهراء علیهما السلام بنام جناب مُحَسِّن از مسلمات اهل معرفت است، حتی عامه مسلمین هم ولادت و ذکرش را در کتب حدیث و تواریخ خود آورده اند، وی در حیات حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بدنیا آمده، و نام او را نیز حضرتش گذارده اند، و در وقت شهادت ششماهه و شیرخوار بوده است، وی جز فرزند دیگر بنام مُحَسِّن است که در وقت شهادت جنین ششماهه بوده است، هر دوی اینها در فاجعه حمله به خانه وحی شهید شده اند، یکی در آغوش سینه مادر بوسیله سوراخ میخ داغ و گداخته درب سوخته، و دیگری با سقط شدن در اثر ضربه لگد و تازیانه طاغوت لعین. شرح مطالب و مستندات و احادیث این دو توضیح در محل مناسب آن به تفصیل آمده است.

۱۲- پذیرایی زمینی و آسمانی در واقعه کساء:

طعام نورانی در آغاز واقعه کساء: از دیگر حوادث جانبی واقعه کساء (که قبل از اجتماع اهل بیت علیهم السلام تحت الکساء اتفاق افتاده) اینکه حضرت زهراء علیها السلام بعد از آمدن پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را با غذایی مقوی پذیرایی نموده اند، که با ضعف جسمی پیامبر صلی الله علیه و آله (که در ابتدای ورود اظهار نموده و در نقل فاطمی علیها السلام بیان شده) مناسبت دارد، و این اقدام (مذکور در نقل ام سلمه)؛ در حقیقت مکمل فقره "اعیذك بالله من الضعف" (در روایت فاطمی علیها السلام) است، و این معنی را می رساند که حضرت زهراء علیها السلام با اطلاع از ضعف جسمی پدر؛ به دعا و تعویذ اکتفا ننموده؛ و با تدارک فوری غذایی سبک و مقوی نیز آنها را چاره نموده اند.

👉 ظاهراً طبخ آن نیز در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله (در حالیکه در انتظار بقیه اهل بیت علیهم السلام استراحت می نموده اند) انجام شده است.

👉 این طعام غذایی مخصوصی به نام "خزیره" بوده است. که نوعی غذایی مطبوخ و رقیق می باشد، که با گوشت ریزشده؛ و آب؛ و نمک؛ طبخ گردیده؛ و به آن آرد هم افزوده می شود؛ تا قوام پیدا کرده، و یکدست گردد.



حضرت فاطمه زهرا عليها السلام غذا را در ديگي سنگي پخته، و وقتي غذا آماده شده؛ آنرا در ظرفي سفالي بر روي طبعي آورده اند، تا از پدرشان با آن پذيرايي کنند.

با تقديم غذاي مزبور؛ حضرت پيامبر صلى الله عليه وآله از دخترشان خواستند که صبر نموده تا مولا علي و سبطين عليهم السلام هم بيابند، و همگي با هم ميل کنند، ام سلمه نقل کرده است که بعد از آمدن ايشان؛ پنج تن عليهم السلام با هم از آن غذا ميل نموده، و پس از آن واقعه كساء اتفاق افتاده است.

طبق آسماني در خاتمه واقعه كساء: جناب ام سلمه در روايتي از گزارش واقعه كساء نقل نموده كه:

جبرئيل عليه السلام بعد از نزول آبه تطهير و اتمام واقعه كساء؛ براي خمه طيبه عليها السلام طبعي (آسماني) آورد كه در آن انار و انگور بود.

وقتي پيامبر صلى الله عليه وآله از آن ميوه ها براي خوردن برداشت؛ آن ميوه ها در دستان حضرتش به تسبيح حق گويا شدند، سپس هر کدام از حضرات اهل بيت عليهم السلام از آن ميوه ها برداشتند تا بخورند؛ آن ميوه ها در دستانشان به تسبيح درآمدند.

در اين بين يكي از صحابه وارد شده و خواست از آن ميوه ها بخورد؛ پس آن ميوه در دست او تسبيح نگفت، در اين هنگام جبرئيل عليه السلام گفت: از اين ميوه ها تنها كسي مي تواند بخورد كه نبي باشد يا وصي نبي باشد يا فرزند نبي باشد.

۱۳- نحوه اجتماع تحت الكساء: اگرچه در ابتدای ورود؛ پیامبر ﷺ (به علت احساس ضعف) آرمیده و حضرت زهراء ﷺ ایشان را با کساء یمانی پوشانده، و سبطین ﷺ هم نزد جدشان رفته و نزد او آرمیده باشند، اما پس از اجتماع خمسه طیبه ﷺ تحت الكساء؛ ابتدا برای صرف طعام همگی نشست، و بعد از تناول این مائده نورانی فاطمی ﷺ همه پنج تن ﷺ برای مناجات نبوی ﷺ و نزول وحی الهی نیز در حالت نشسته بودند.

صورت نشستن نیز چنین بوده است: حضرت پیامبر ﷺ در میانه نشست؛ و سبطین ﷺ را در دامان خود (امام حسن ﷺ روی ران راست و امام حسین ﷺ روی ران چپ) نشانده، و حضرت زهرا ﷺ را در بغل راست و حضرت علی ﷺ را در بغل چپ خود گرفته؛ و با جمع کردن طرفین کساء به گرد ایشان؛ و اشاره نمودن با انگشت راست به سوی آسمان؛ مناجات با حق را آغاز نمود.

و جبرائیل و میکائیل ﷺ هم بعد از نزول؛ پیش روی مبارک نشستند، جبرائیل ﷺ برای ابلاغ وحی و کلام حق، و میکائیل ﷺ هم برای تقدیم پذیرایی الهی.

و بنابر حضور بقیه اولاد حضرت فاطمه ﷺ در زیر کساء؛ مُحَسِّن که جنین و در شکم مادر بوده؛ و مُحَسَّن که شیرخوار و در آغوش مادر بوده؛ و سه دختر کودک (زینب و ام کلثوم و سکینه) نیز در دامان مادرشان نشستند.

۱۴- برخی از نکات واقعه که جاي توصيف و تبیین دارد:

نوع طهارت نازله: اعلان عصمت و طهارت قدسیه ای که آنقدر عظیم بوده و شرافت داشته؛ که جبرئیل و میکائیل علیهم السلام ملك مقرب حضرت اقدس الهی؛ در ملکوت عالم علوي و آسمانی؛ تا از آن مطلع شده؛ به آن غبطه خورده؛ و برای ملحق شدن به این جمع قدسی در روی زمین اذن خواسته؛ و فوراً در آن حاضر می شوند.

اعلان طهارت؛ نه نزول طهارت: طهارت عصمت و حدویش برای حضرات اهل بیت علیهم السلام با وقوع واقعه کساء و نزول آیه شریفه تطهیر؛ آغاز نشده، بلکه این شرافت و مرتبت؛ در آنوقت ابلاغ عمومی شده است، و در حقیقت: با رخداد این واقعه؛ خداوند نه تنها هرگونه شائبه رجس و پلیدی را از ساحت اهل بیت در اذهان و قلوب مردم دور نموده بلکه طهارت قدسیه الهیه ایشان را نیز آشکار فرموده است.



۱۵- جامع الوقایع: سیر رخدادهای واقعه کساء که در نقلها و روایات متعدد بطور متفرق ذکر شده است را؛ ما در اینجا یکجا و پیوسته نقل می‌کنیم، تا پراکندگی نقل آنها سبب تحیر و تشویش اذهان و قصورشان از احاطه به نقل کامل واقعه؛ و دستاویز برای ایهام مقصره نگردد. بنا بر اتحاد واقعه (روایت شده توسط حضرت صدیقه کبری علیها السلام و واقعه روایت شده توسط جناب امّ سلمه) شرح مختصر و کامل کلیات واقعه حدیث کساء می‌تواند چنین بوده باشد که:

ﷺ حضرت خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله روزی عایشه و خانه او را ترک کردند؛ تا به مجلس نزول آیه تطهیر بروند،

ﷺ و در وقت رفتن کساء (خیبری) را همراهشان داشته اند،

ﷺ و به منزل جناب امّ سلمه رفتند،

ﷺ و این رفتن طوری بوده که برخی از نزدیکان حضرت نیز مطلع شده اند که "بناست خبر خاص و واقعه مهمی اتفاق بیافتد"، از این رو حضور برخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله چون صفیه؛ و خویشانی چون عبدالله جعفر؛ و منسوبینی چون زینب (دختر ام سلمه و ربیبه و دخترخوانده حضرت؛ و نیز برخی اصحاب را می‌بینیم؛ که در نقلها آمده است) که در خانه ام سلمه حاضر شده بوده اند.

ﷺ هنگامی که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مشاهده نمود رحمت خدا در حال نزول است فرمود: نزد من فرا خوانید!

🌸 صفیه (زوجه) گفت: یا رسول الله چه کسی را نزد شما فراخوانیم؟

حضرت رسول الله ﷺ فرمود: اهل بیتم را: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

🌸 سپس پیامبر ﷺ فرمود: چه کسی می خواهد او را دنبال کسانی بفرستم؟

🌸 زینب (دختر ام سلمة) گفت: من؛ ای رسول خدا،

🌸 پس حضرت پیامبر ﷺ فرمودند: علی و فاطمه و حسن و حسین را برایم بخوان.

🌸 در آن وقت حضرات خمه طیبه علیهم السلام همه یکجا نبوده اند، ولذا هر کدام را جداگانه از دعوت حضرت پیامبر ﷺ خبر داده اند.

🌸 و وقتی هم که ایشان از دعوت نبوی ﷺ مطلع شده و عزم تشریف پیدا کردند؛ همه با هم به آنجا نرفته، و یکی یکی حاضر شده اند.

🌸 در فاصله خبر کردن و اجتماع اهل بیت علیهم السلام؛ نبی اکرم ﷺ در خانه جناب ام سلمه نمانده و برای کاری به مسجد شریف رفته بودند.

🌸 خانه ام سلمه مجاور مسجد نبوی ﷺ و به اندازه يك خانه فاصله داشته است.

🌸 بعد از این دعوت و خبر رسانی برای این اجتماع؛ اول از همه حضرت زهرا علیها السلام به خانه ام سلمه تشریف برده اند،

وقتی حضرت زهرا علیها السلام وارد خانه ام سلمه شدند؛ وی در خانه اش اتاقی را برای اجتماع حضرات اهل بیت علیهم السلام اختصاص می دهد،

بعد از آن که حضرت صدیقه کبری علیها السلام در آن اتاق مستقر می شوند؛ حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به خانه ام سلمه بازمی گردند، و به سراغ دخترشان رفته و بر او در آن اتاق وارد می شوند،

از اینجا به بعد؛ بقیه وقایع (که در نقل فاطمی علیها السلام حدیث کساء آمده) رخ داده است، که راوی بیان می کند از زبان حضرت زهراء علیها السلام (در خانه ام سلمه) که:

دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ ... الْحَدِيثُ.

(ترجمه) در برخی از روزها پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من وارد شدند...

و ادامه حدیث آسمانی و نزول عطایای الهی و آیت عظیمه قرآنی **تطهیر** هم که معروف است.

وقتی حاضران خانه ام سلمه صدای پیامبر صلی الله علیه و آله را می شنوند که نزول رحمت الهی نزدیک است؛ و این اجتماع مخصوص اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، از میان ایشان ام سلمه و دخترش (و به روایتی صفیه از زنان حضرت) که در آنجا حاضر بوده اند (به امید نیل به شرافت مرتبه طهارت الهی و کرامت آیه تطهیر) از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله اذن ورود به جمع زیر کساء را می نمایند، اما حضرتش به آنها اجازه ورود نداده و ایشان را برگردانده و دعای عاقبت به خیری در حقشان می فرماید.

۱۶- تفاوت نقل گزارشگران واقعه کساء به سبب تفاوت نوع ارتباطشان با این واقعه است:

◀ تمرکز حضرت فاطمه زهراء و صدیقه کبری ع در گزارش از واقعه کساء روی بدنه اصلي واقعه (آمدن حضرات اهل کساء ع و اجتماعشان تحت الكساء و بیان کلام نبوي ص و جبرائیلی ع و آوردن کلام و بشارت الهي و شمه ای از اسرار و برکات آن) می باشد. نقل این موارد بخاطر اهمیت دادن به این نکات است که جوهر و ماهیت واقعه می باشد، تا اینکه جوهر حقیقی و متن اصلي واقعه لابلاي گزارش امور جزئی و حاشیه ای و بیرونی گم نشود، نه اینکه نفی آن جهات جزئی و حواشی ماجرا باشد.

◀ جناب ام سلمه با اینکه میزبان واقعه کساء بوده؛ و بیشترین روایات درباره واقعه کساء به او منتهی می شود؛ و در گزارشهایش نیز رخدادهای متعددی در ارتباط با آنرا نقل نموده، اما بیشتر به اصل ماجرای آمدن پیامبر ص و اهل بیت ع به خانه خود و اجتماعشان تحت الكساء پرداخته؛ و درخواست خودش (برای حضور زیر کساء) که قبول نشد؛ و برخی از وقایع دیگر (مرتبط به واقعه) را نیز نقل کرده، اما جزئیات وقایع تحت الكساء؛ و تفصیل فضائل و کلام آسمانی نازل را چون حاضر نبوده در روایتش نیاورده، و لذا می بینیم که ماجرای نزول آیه تطهیر در فضیلت پنج تن پاک ع را که از دور ناظر بوده (بدون نقل

جزئیات و تفصیل مناجات و بشارات) به نحو کلی نقل نموده است. البته بعید نیست که او هم بلحاظ معرفت و شخصیتش شرح ماوقع تح الکساء و نکات مهمش را در نقل برای دیگران آورده باشد، اما چون روایات او عامه ناس بوده اند، و تحت تاثیر جو حاکم جریان غاصب قرار داشته اند، این موارد را به نسل بعدی روایات نقل نکرده باشند.

همینطور زینب (دختر ام سلمه) که در خانه مادرش حضور داشته؛ در نقلش از این واقعه بیشتر به بیان ماجرای آمدن پیامبر ﷺ؛ و این سخن حضرتش (که چه کسی داوطلب فراخواندن اهل بیت ﷺ می شود)؛ و اینکه خود وی داوطلب رفتن برای ابلاغ این دعوت شده است، و نیز درخواست خودش برای حضور زیر کساء (که قبول نشد) پرداخته است، و او نیز جزئیات واقعه را (به علت عدم حضور خود تحت الکساء) طبیعتاً مفصل نقل نکرده؛ و آنچه را که از دور ناظر بوده (اجتماع اهل بیت ﷺ تحت الکساء و نزول آیت تطهیر در فضیلتشان) به نحو اشاره گزارش کرده است.

صفیه (زوجه نبی ﷺ) نیز در روایتش از واقعه کساء بیشتر به بیان ماجرای آمدن پیامبر ﷺ و این سخن حضرتش که آنها را فراخوانید؛ و اصل اجتماع اهل بیت ﷺ تحت الکساء و نزول آیت تطهیر در فضیلتشان پرداخته است. اما وی نیز جزئیات واقعه را (به علت عدم حضور خود تحت الکساء) طبیعتاً مفصل نقل نکرده است.

عایشه نیز در خبرش از واقعه کساء تنها به آنچه خودش مطلع بوده پرداخته است، از ماجرای بیرون رفتن حضرت پیامبر ﷺ و ترك او و خانه او به جای دیگر (خانه ام سلمه) برای وقوع واقعه کساء؛ و توصیف کساء همراه پیامبر ﷺ. البته اشاره ای هم به اجتماع حضرات اهل بیت علیهم السلام تحت الكساء و نزول آیت تطهیر در فضیلتشان نیز نموده، که از لحنش معلوم می شود که وی از دور هم ناظر واقعه نبوده؛ و برخی از آنچه را نقل می کند از دیگران شنیده است.

موقعیت محل واقعه کساء در میان خانه های پیامبر ﷺ



۱۷- عدم ذکر همه نکات و رخدادهاي واقعه کساء در هر روایتی از روایات و نقلهای آن؛ به سبب عدم ارتباط با موضوع حدیث کساء (طهارت الهیه خمسہ طیبہ ﷺ) یا مقصودشان از بیان نقل واقعه است:

◀ نکته مهمی که در باب فقه الحدیث و درست دریافتن احادیث شریفه؛ همواره مدنظر علماء و فقهاء می باشد؛ ملاحظه شأن صدور هر حدیث است، همانطور که برای فهم صحیح کلام وحی؛ شأن نزول هر آیه یا سوره ملاحظه می شود؛ برای فهم صحیح کلام خازنان وحی ﷺ نیز شأن صدور آن ملاحظه می گردد، و آن یعنی اینکه هدف از حدیث گفتن؛ و مقصود صاحب حدیث از بیان آن حدیث باید دانسته شود تا آن حدیث درست فهمیده شود.

◀ معارف الهیه و وقایع و احوال حضرات معصومین ﷺ (و از جمله آنها واقعه کساء) در طی احادیث شریف نقل شده؛ همیشه به نحو گزارش همه تفصیلات با جزئیات کامل آنها بیان نشده است، بلکه غالباً اینطور بوده که در هر مناسبت و ضرورتی؛ به تناسب مقام و مقصد آن؛ و نیز با ملاحظه نتیجه مورد نظر در استدلال و احتجاج به آن موضوع، مطالب و نکاتی از اصل و تفصیل آن واقعه بیان شده است.

◀ خلاصه مفاد اصلی حدیث شریف کساء موضوع طهارت و عصمت حضرات اهل بیت ﷺ می باشد، که شرط امامت و جانشینی پیامبر ﷺ است، و عمده انگیزه در مقام صدور و بیان این حدیث و

مقصود از نقل آن: استدلال به آن؛ و احتجاج بر همین امر (انحصار خلافت پیامبر ﷺ در خاندان نبوت) بوده است.

ولذاست که می بینیم غالب راویان و ناقلان حدیث کساء؛ بیشتر به اصل نزول آیه تطهیر و تعیین شأن نزول آن با ذکر حضرات خمس طیبه علیهم السلام و نفی افراد دیگر پرداخته اند، با اینکه از نظر ظاهری این افراد جزو ساکنان خانه های پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اند.

البته برای اینکه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با ساکنان ظاهری خانه های او اشتباه نشوند؛ وقایعی چون راه ندادن ام سلمه (که زوجه حضرت و صاحب آن خانه بوده) و نیز برخی زنهای دیگر (مثل صفیه)، و یا دختر ام سلمه (ربیبه و دخترخوانده پیامبر صلی الله علیه و آله)، و بیرون کردن غلام ام سلمه از اتاق (با اینکه هردوی آنها اهل آن خانه محسوب می شده اند)، نیز در برخی روایات حدیث کساء آمده است.

همه و همه اینها برای تبیین دقیق موضوع حدیث کساء، و تحدید و محدود نمودن دایره اهل بیت آسمانی (صاحب مقامات الهی) به پنج تن شریف علیهم السلام، و جدا کردن حکم اینان از اهل معمولی خانه هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله سکونت داشته (از زوجات و فرزندان خوانده ها و خادمان و خدمات) و نیز سایر اقرباء و خویشان حتی دیگر دختران پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد.

از این رو فضایی نقل عمده روایات واقعه کساء و تمرکز بیان در نقل وقایع آن؛ بیشتر روی این جهات بوده، فلذا عمدتاً نکات و وقایعی که به

این جهات مربوط بوده؛ مورد گزارش و بازگویی قرار گرفته است، بنابراین طبیعی است که همه جزئیات و حوادث واقعه؛ از جمله بسیاری از رخدادها و نکات ارزشمند این واقعه؛ در همه روایات و نقلهای این حدیث شریف (حتی نقل فاطمی علیها السلام) نیامده باشد، چون این امور در اثبات مرتبه طهارت الهیه و اختصاص آن به حضرات خمسه طیبه علیهم السلام (و تامین نیاز فکری هر مؤمن در حد عقیده ضروری) دخالتی نداشته است. اما برای معرفت کامله مؤمن مترقی و فزاینده در معرفت مفید باشد.

۱۸- عدم التفات به رقایق و دقایق فوق الذکر؛ سبب شده که برخی از افراد در جمع دو نقل متحیر شده، و اتحاد واقعه در این دو نقل را ملتفت نشوند، و مقصره هم این امر را رخنه ای پنداشته؛ تا در اصل واقعه تشکیک کرده؛ یا در نقل مفصل و کامل آن از حضرت فاطمه سایتها السلام القاء تردید کنند، و این شبهه مدفوعه را مقدمه ای قرار دهند برای انکار رخدادها و گفتارهای خاتمه واقعه؛ و آن بشارات الهیه مُنزله سماویه از بیان حضرت جبرائیل علیه السلام و حضرت خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله، و این القاء ابهام را به حدی توسعه دهند تا جایی که تعرض به نص کلام سماوی و حدیث قدسی کساء کرده، و غوغای مجعول پیا نموده، و غائله تنقیص کتب و صحف به راه انداخته، و متن کامل فاطمی علیها السلام آنرا تحریف یا تقطیع کرده، و در صحف و کتب تحت سیطره مقصران آنرا حذف نمایند، اعاذنا الله تعالی و جمیع اهل الحق من هواجسهم و شرورهم. آمین رب العالمین، بحق محمد و علی و آلهما الطیبین الطاهرین.

۱۹ - شرح واقعه کساء از نقل فاطمی علیها السلام یا ترجمه حدیث کساء:

مشایخ گرامیمان ما را حدیث نمودند با اسنادشان؛ از جابر جعفی رضی الله عنه (باب علوم و اسرار امام باقر علیه السلام)، از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه (یکی از مؤمنان صحابه)، از حضرت فاطمه زهراء علیها السلام دختر رسول خدا (و محبوبه محبوب الهی) صلی الله علیه و آله جابر گفت: شنیدم فاطمه زهرا (علیها سلام الله) دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را، که او گفته است:

در برخی از روزها؛ پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله بر من وارد شد؛ و گفت: سلام بر تو ای فاطمه.

پس گفتم: و بر تو نیز سلام باد؛ ای پدرجانم.

پس به من گفت صلی الله علیه و آله: ای فاطمه؛ همانا من در بدنم ضعفی می یابم.

پس به او گفتم: ای پدرجان؛ تو را به خداوند تعویذ می دهم از ضعف.

پس به من گفت صلی الله علیه و آله: ای فاطمه؛ کساء یمانی را برایم بیاور، و مرا بدان بپوشان.

پس من کساء یمانی را برایش آوردم، و او را بدان پوشاندم.

و مشغول گردیدم به او می نگریدم؛ پس یکباره متوجه شدم از چهره اش نوری می درخشد؛ همانند ماه بدر در شبی که تمام و کمال است (شب ۱۴).

پس نگذشت مگر ساعتی؛ که ناگهان دیدم فرزندم حسن علیه السلام آمد، پس گفت: سلام بر تو ای مادر من.

پس گفتم: و بر تو باد سلام؛ ای نور دیده من و میوه دلم.
سپس مرا گفت: ای مادر من؛ همانا من در نزد تو بوی خوشی استشمام
می کنم، گویا که رایحه دل انگیز جدم رسول الله ﷺ است.
پس گفتم: آری ای فرزندم؛ همانا جدّ تو در زیر کساء است.
پس حسن علیه السلام به سوي کساء روي آورد و گفت: سلام بر تو ای جدّ من؛
ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، آیا به من اجازه می دهی که وارد شوم در زیر کساء با
تو؟

پس گفت صلی الله علیه و آله: و بر تو باد سلام؛ ای فرزند من، و ای همراه حوض
(کوثر) من، هر آینه به تو رخصت دادم.
پس حسن علیه السلام وارد شد زیر کساء با او.
پس نگذشت مگر ساعتی؛ که ناگهان دیدم فرزندم حسین علیه السلام آمد و
گفت: سلام بر تو ای مادر من.

پس گفتم: بر تو باد سلام ای فرزند من، و ای نور دیده ام و میوه دلم.
سپس مرا گفت: ای مادر من؛ همانا من در نزد تو بوی خوشی استشمام
می کنم، گویا که رایحه دل انگیز جدم رسول الله ﷺ است.
گفتم: آری ای پسرکم، همانا جدّ تو و برادرت زیر کساء هستند.
پس حسین علیه السلام نزدیک شد (x به) سوي کساء؛ و گفت: سلام بر تو ای
جدّ من، سلام بر تو ای که خداوند او را برگزیده، آیا به من اجازه می دهی
که با شما باشم (x وارد شوم) در زیر این کساء؟
پس گفت صلی الله علیه و آله: و بر تو باد سلام؛ ای فرزند من و ای شفاعت کننده

امت من، هر آینه به تو رخصت دادم.

پس حسین علیه السلام وارد شد زیر کساء با جدّ و برادرش (x با آن دو).
پس در این هنگام ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام آمد؛ و گفت: سلام بر تو ای فاطمه؛ ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله.

پس گفتم: و بر تو سلام باد؛ ای ابا الحسن و ای امیرمؤمنان.

پس به من گفت علیه السلام: ای فاطمه؛ من بوی خوشی نزد تو استشمام می کنم، گویا رایحه دل انگیز برادرم و پسر عمویم رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

پس گفتم: آری؛ این او است که با دو پسر در زیر کساء هستند.

پس علی علیه السلام به سویی کساء روی آورد، و گفت: سلام بر تو ای رسول

خدا؛ آیا رخصت می دهی تا اینکه من نیز با شما در زیر کساء باشم؟

پس به او گفت: و بر تو سلام باد؛ ای برادر من؛ و ای وصی من؛ و

جانشین من؛ و حامل (x صاحب) پرچم من در محشر، آری؛ هر آینه به تو

اذن دادم.

پس علی علیه السلام وارد شد در زیر کساء.

سپس (خودم) آمدم به سویی کساء؛ و گفتم: سلام بر تو ای پدرجانم؛ ای

رسول الله، آیا به من اذن می دهی تا که با شما در زیر کساء باشم؟

پس به من گفت: و بر تو سلام باد؛ ای دختر من؛ و ای پاره تنم، هر آینه

به تو اذن دادم.

پس من نیز وارد شدم به زیر کساء با آنها.

و چون عده ما کامل شد، و همگی ما در زیر کساء جمع شدیم؛ پدرم

رسول خدا ﷺ دو طرف کساء را گرفت؛ و با دست راست به سوی آسمان اشاره نمود و گفت:

بارالها! همانا اینانند اهل بیت (سزاوارِ خانه) من؛ و خاصه گان من؛ و نزدیکان من، گوشتشان گوشت من است، و خونشان خون من است، به درد می آورد مرا؛ آنچه ایشان را به درد آورد، و غمناک می سازد مرا؛ آنچه ایشان را غمناک می سازد، من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد، و در سازشم با هر که ایشان را سازش کند، و دشمنم با هر کسی که با ایشان دشمنی بورزد، و دوستدار آن کسی هستم که ایشان را دوست بدارد، و همانا اینان از من هستند؛ و من از ایشانم، پس بفرست درودهایت و برکتهایت و رحمت و آمرزش و خوشنودیت را؛ بر من و بر ایشان، و پیراسته دار از ایشان پلیدی را؛ و پاک بدار ایشان را پاک (خاصی).

پس خداوند عزّوجلّ گفت: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم؛ به عزت و جلالم سوگند؛ براستی که من نیافریدم هیچ آسمان بنا شده ای را؛ و هیچ زمین گسترده ای را؛ و هیچ ماه تابانی را؛ و هیچ خورشید درخشانی را؛ و (قرار ندادم) هیچ گیتی که گردان است؛ و هیچ دریایی که روان است، و هیچ کشتی که شناور است را؛ مگر بخاطر محبت این پنج تن؛ آنانکه اکنون آنهایند در زیر کساء.

پس امین (وحی) جبرئیل علیه السلام گفت: ای پروردگار من؛ و چه کسانی در زیر کساء هستند؟

پس خداوند عزّوجلّ گفت: آنها اهل بیت (سزاوارِ خانه) نبوت؛ و معدن

رسالتند، و آنان فاطمه و پدرش و شوهرش و فرزندانش هستند.

پس جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: ای پروردگار من؛ آیا اذن می دهی به من؛ تا اینکه به زمین فرود آیم؛ برای اینکه با آنها باشم؛ به عنوان ششمین نفر؟
پس خداوند عزّوجلّ گفت: آری؛ هرآینه به تو اذن دادم.

پس امین (وحی) جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ فرود آمد و به پدرم گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، علیّ اعلیٰ تو را سلام می رساند، و تو را به تحیّت و گرامیداشت اختصاص فرموده و می گوید:

سوگند به عزّت من و جلال من، براستی که من نیافریدم هیچ آسمان بناشده ای را؛ و هیچ زمین گسترده ای را؛ و هیچ ماه تابانی را؛ و هیچ خورشید درخشانی را؛ و (قرار ندادم) هیچ گیتی که گردان است؛ و هیچ دریایی که روان است، و هیچ کشتی که شناور است را؛ مگر بخاطر شما و محبّت شما، و هرآینه به من اذن فرموده تا اینکه وارد شوم (در زیر کساء) با شما (باشم)، پس ای رسول خدا تو آیا اذن می دهی به من؟

پس پدرم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: و بر تو باد سلام؛ ای امین وحی الهی؛ همانا که (پاسخم) آری است، هرآینه به تو اذن دادم.

پس جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ داخل شد در زیر کساء؛ همراه ما.

سپس جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ به پدرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: براستی که خداوند عزّوجلّ هرآینه وحی فرموده به شما؛ و می گوید: ﴿بدرستی که آنچه خداوند می خواهد این است که: تا شما اهل بیت را پیراسته بدارد از پلیدی؛ و پاک بداردتان پاکي (خاصی)﴾.

پس علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به پدرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: ای رسول خدا، مرا خبر ده که نزد خداوند؛ چه فضیلتی برای نشستن ما در زیر کساء است؟
آنگاه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: ای علی؛ سوگند به آن خدائی که مرا پیامبر به حق برانگیخت؛ و مرا به رسالت؛ نجات بخش برگزید، که گزارش (این نشست) ما؛ در محفلی از محافل مردم زمین؛ که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند؛ نمی شود یاد شود مگر اینکه بر ایشان رحمت (الهی) نازل شود، و فرشتگان آنها را در بر گرفته؛ و برایشان آمرزش خواسته؛ تا اینکه (از آن مجلس) متفرق پراکنده شوند.

پس علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: در این صورت؛ به خدا (سوگند) ما رستگار شده ایم، و شیعیان ما رستگار شده اند به پروردگار کعبه (سوگند).

پس پدرم رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوباره گفت: ای علی؛ سوگند به آن خدائی که مرا پیامبر به حق برانگیخت؛ و مرا به رسالت؛ نجات بخش برگزید، که گزارش (این نشست) ما؛ در محفلی از محافل مردم زمین؛ که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند؛ نمی شود یاد شود، و در میانشان نگرانی باشد؛ جز آنکه خدا نگرانی را برطرف کند، و نه غمناکی؛ جز آنکه خدا غمش را بزاید، و نه حاجتخواهی؛ جز آنکه خدا حاجتش را برآورد.

پس علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: در این صورت؛ به خدا (سوگند) ما رستگار و سعادتمند شده ایم، و همچنین شیعیان ما رستگار و سعادتمند شده اند؛ به پروردگار کعبه (سوگند).

والحمد لله رب العالمين

فَاللَّهُمَّ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
عَبْدُكَ الْخَيْرُ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
أَمِيرًا لِلدِّينِ
أَمِيرًا لِلدِّينِ



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَهُوَ نَسْتَعِیْنُ اِلَيْهِ خَيْرًا نَّاصِرًا وَمَعِيْنَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلِیْ وَآلِهِمَا الطَّيِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ وَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ اَبَدًا

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

متن حدیث نورانی کساء

و

کلام قدسی نازل از سماء

طرح و برنامه ریزی پڑوشی و مدیریت و اشرف علی: داسر المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پڑوشکده علوم معرفت الہی۔ بنیاد حیات اعلیٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَدَّثَنَا مَشَائِحُنَا الْكِرَامُ بِإِسْنَادِهِمْ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ رضي الله عنه
(بَابُ سِرِّ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عليه السلام) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
الْأَنْصَارِيِّ رضي الله عنه (مِنَ الصَّحَابَةِ الْمُؤْمِنِينَ) عَنْ فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ عليها السلام بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (وَ حَبِيبَةِ حَبِيبِ اللَّهِ) صلوات الله
قَالَ جَابِرٌ: سَمِعْتُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا سَلَامُ اللَّهِ) بِنْتِ
رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله، أَنَّهَا قَالَتْ:

لِيَحْمِلُنِي حَمْلًا بَوَالًا طَلِبًا
لِمَصْطَبِي الْمَرْصِيِّ بِسَائِمِ الْعَلَاءِ

دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ.

فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَتَاهُ.

فَقَالَ ﷺ لِي: يَا فَاطِمَةُ إِنِّي لَأَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا.

فَقُلْتُ لَهُ: أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضُّعْفِ.

فَقَالَ ﷺ لِي: يَا فَاطِمَةُ إِيْتَيْنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ وَ غَطِّينِي بِهِ،

فَأْتِيْتُهُ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ وَ غَطِّتُهُ بِهِ.

وَ صِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ؛ فَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَأَلُ نُورًا؛ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي
لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَ كَمَالِهِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَ إِذَا بِوَلَدِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ
وَ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ.

فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي.

فَقَالَ لِي: يَا أُمَّاهُ إِنِّي أَشْمُ (x أَشْمُ) عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ؛ كَأَنَّهَا
رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا وَلَدِي؛ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

جَدَّاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ
مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَهُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا صَاحِبَ
حَوْضِي؛ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَدَخَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ، وَ
قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ.

فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ، يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ
فُؤَادِي.

فَقَالَ لِي: يَا أُمَّاهُ، إِنِّي أَشَمُّ (X أَشَمُّ) عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً؛
كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا بَنِيَّ؛ إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَدَنَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ (X مِنْ) الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَأْذُنُ لِي
أَنْ أَكُونَ (لِأَدْخُلَ) مَعَكُمْ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ ﷺ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي، قَدْ
أَذِنْتُ لَكَ.

فَدَخَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ جَدِّهِ وَأَخِيهِ (X مَعَهُمَا) تَحْتَ
الْكِسَاءِ.

فَعِنْدَ ذَلِكَ أَقْبَلَ (X فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ) أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَالَ: أَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ يَا بِنْتَ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي: يَا فَاطِمَةُ، إِنِّي أَشْمُ (X أَشْمُ) عِنْدَكَ رَاحِحَةً
طَيِّبَةً؛ كَأَنَّهَا رَاحِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.
فَقُلْتُ: نَعَمْ، هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَأَقْبَلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: أَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ؛ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ لَهُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَيَا وَصِيَّي وَحَلِيفَتِي وَوَارِثِي
وَ حَامِلَ (صَاحِبَ) لِوَاتِي فِي الْمَحْشَرِ، نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَدَخَلَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذُنِي لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ لِي: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بَنِيَّ وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلْتُ مَعَهُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا وَاجْتَمَعْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ؛ أَخَذَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَطَرْفِي الْكِسَاءِ؛ وَأَوْمَى بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ؛ وَقَالَ:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤَلِّمُنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ، وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسَلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَأَنْتَهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَغُفْرَانَكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي؛ وَعِزَّتِي

وَ جَلَالِي؛ إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً؛ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً؛ وَ
لَا قَمَرًا مُنِيرًا؛ وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً؛ وَلَا فَلَكًا يَدُورُ؛ وَلَا بَحْرًا
يَجْرِي؛ وَلَا فُلَكًا تَسْرِي؛ إِلَّا لِمَحَبَّةٍ (X) إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ - إِلَّا
لِأَجْلِ) هُوَ لَاءِ الْحُمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوءَةِ، وَ مَعْدِنِ (X)
مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، (X) وَ هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا.

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى
الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ (لَهُمْ) سَادِسًا؟

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ قَالَ لِأَبِي سَلَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا
رَسُولَ اللَّهِ، أَلْعِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يُخْصِّصُكَ بِالتَّحِيَّةِ وَ
الْإِكْرَامِ وَ يَقُولُ لَكَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً
مَبْنِيَّةً؛ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً؛ وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا؛ وَلَا شَمْسًا
مُضِيئَةً؛ وَلَا فُلَكًا يَدُورُ؛ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي؛ وَلَا فُلَكًا تَسْرِي؛

إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ، وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخَلَ (أَكُونَ)
مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَهَلْ تَأْذَنُ لِي أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
فَقَالَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحِي
اللَّهُ، إِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَدَخَلَ الْأَمِينُ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.
فَقَالَ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ أَوْحَى
إِلَيْكُمْ يَقُولُ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.



فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي رَسُولِ اللَّهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا لِحُلُوسِنَا
هَذَا؛ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ؛ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؟
فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا،
وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذَكَرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مُحْفَلٍ مِنْ
مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحَبِّينَا؛ إِلَّا وَ
نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَ حَقَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَ اسْتَعْفَرَتْ
لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَ اللَّهُ فُزْنَا وَ فَازَ شِيعَتُنَا وَ رَبَّ الْكَعْبَةِ.
فَقَالَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَانِيًا: يَا عَلِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ
نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذَكَرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مُحْفَلٍ
مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحَبِّينَا؛ وَ
فِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَ فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَ لَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَ كَشَفَ
اللَّهُ غَمَّهُ، وَ لَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَ قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَ اللَّهُ فُزْنَا وَ سَعِدْنَا؛ وَ كَذَلِكَ شِيعَتُنَا
فَازُوا وَ سَعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ وَ رَبَّ الْكَعْبَةِ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تحجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزیتی

آموزش برتر (اعلیٰ) - علوم برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیة

شعبان ۱۴۳۵

<http://Aelaa.net>

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین